تولید علوم انسانی اسلامی براساس بازتعریف دانشگاه اسلامی

فرزانـــه شکری

کارشناسی ارشد علوم تربیتی
farzanehf313@gmail.com

عنـــبر شکری

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی استثنایی

چکیده

هـدف اصلی مقاله حاضر تبیین الگوی دانشـگاه اسـلامی و راهکارهای اجرای آن در تولید علوم انسـانی اسلامی است. روش انجام این مطالعه که از نوع تحقیقات توصیفی ـ تحلیلی است، کتابخانه‌ای می‌باشد. مقاله حاضر با ارائه تعریفی از مفهوم دانشگاه اسلامی، بیـان عمده ضرورت‌ها و چالش‌های پیش روی آموزش عالی در علوم انسـانی و با ارائه راهکارهای اجرایی الگوی دانشـگاه اسلامی بر تولید علوم انسانی اسلامی پرداخته است. نتایج این تحقیق بیانگر این اسـت که الگوی دانشگاه اسلامی دارای سه بُعد مهم رسالت، اسـتاد ـ دانشجو و فرآیند است. طبق یافته‌های این تحقیق علوم انسانی اسلامی سازوکار کاملاً جدید و بدیعی برای علوم پیشنهاد نمی‌دهد، بلکه ایجاد ارتباط بین علم و دین است. و در پایان راهکارهای اجرای الگوی اسلامی بیان می‌شود: در بُعد رسالت نیازمند توجه به دو محور سـخت‌افزاری و نرم‌افزاری می‌باشیم. در بُعد استاد ـ دانشجو، بازآموزی اساتید و تغییراتی در جذب دانشجویان رشته‌های علوم انسانی مطرح می‌شود و در نهایت با بُعد

فرآیند، ملزم به ایجاد تغییراتی در کیفیت فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و فعالیت‌های فرهنگی مرتبط با ارزش‌های اسلامی هستیم.

کلیدواژگان: دانشگاه اسلامی، الگوی دانشگاه اسلامی، تولید علوم انسانی

مقدمه

دانشگاه‌ها از بخش‌های مهم و تأثیرگذار هر جامعه به‌شمار می‌آیند. به عبارتی دانشگاه‌ها در شئون مختلف جامعه نقش و نفوذ دارند، به‌طوری که تحولات بسیاری را رقم می‌زنند یا سمت و سوی تحولات را تعیین می‌کنند. با این‌همه، دانشگاه نیز مانند هر نهاد اجتماعی دیگر در معرض فراز و نشیب‌ها قرار داشته است. امروزه این نهاد با رویکردی به‌عنوان «اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها» مواجه است. گاه این رویکرد، روایت‌های منطقی می‌یابد و گاه روایت‌های غیرمنطقی و افراطی (میرزا محمدی و صحبت‌لو، ۱۳۸٦: ۱۰). در این میان برخی از صاحب‌نظران و کسانی که به دنبال اسلامی شدن دانشگاه هستند، بر رعایت ظواهر و شعائر در رفتار جمعی دانشگاهیان و فضای ظاهری دانشگاه تأکید دارند و به تعبیری به دنبال این هستند که دانشگاه را در حوزه‌ی رفتار دینی، اسلامی کنند. برخی دیگر از صاحب‌نظران نگاهی عمیق‌تر و علمی‌تر به این موضوع دارند، آنان دانشگاه اسلامی را نه در سطح و ظواهر ساختار بیرونی، که در باطن و لایه‌های زیرین جستجو می‌کنند و معتقدند، ظواهر و ساختار بیرونی میوه‌های دانشگاه اسلامی است و ارزش‌های درونی الهی را مبنا می‌دانند. آنان بر این باورند که تا مبانی اصلاح نشود، ساختار بیرونی اصلاح نمی‌شود. با این وجود، اگر مبنای دانشگاه اسلامی را اسلامی کردن علوم مدنظر قرار دهیم، بحث تازه‌ای در دنیا و کشورهای اسلامی نیست، بلکه مربوط به حدود دهه‌ی هفتاد میلادی است. برای مزید اطلاع، به چند نمونه از موارد شروع اسلامی‌سازی علوم اشاره می‌شود: تأسیس جمعیت جامعه‌شناسان مسلمان توسط اتحادیه‌ی دانشجویان مسلمان آمریکا و کانادا به پیشنهاد عبدالحمید ابوسلیمان در سال ۱۹۷۲ میلادی، برگزاری اولین کنگره‌ی جهانی اقتصاد اسلامی بنا به سفارش دومین اجلاسیه‌ی کنفرانس جهانی

جوانان مسلمان در دانشگاه ملک عبدالعزیز ۱۹۷٤ میلادی، انعقاد اولین کنگره جهانی تربیت اسلامی در مکه مکرمه سال ۱۹۷۷ میلادی و... (دژاکام، ۱۳۸۲: ۵) در ایران این موضوع بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی رهبر فقید انقلاب اسلامی مطرح و در سال‌های پس از رحلت امام(رحمةالله‌علیه) پیگیری شد. در سال‌های اخیر این موضوع اهمیت دو چندان یافته، چرا که بنا بر فرمایش رهبر معظم انقلاب بستر جنبش نرم‌افزاری (فراتر از دانش موجود حرکت کردن) فراهم شده است. بنابراین، با تحقق هر چه بیشتر الگوی دانشگاه اسلامی می‌توان امیدوار بود، کشور با تولید علم پاسخگوی نیازها بوده و در راستای تحقق سند چشم انداز ۱٤۰٤ در زمینه علمی، نهضت نرم‌افزاری و تولید علم گام بردارد. تولید و آموزش علوم انسانی در بین حوزه‌های مختلف علوم، اهمیت بیشتری داشته و تأثیرات عینی‌تری بر جای می‌گذارد؛ چون علوم انسانی، جوامع و تمدن بشر را می‌سازد و نهادها و ساختارهای اجتماعی را بنیان می‌نهد (علیخانی، ۱۳۸۹: ۵). با این وجود، با توجه به فرمایش مقام معظم رهبری، در زمینه‌ی علوم انسانی، برخلاف آنچه که انتظار می‌رفت و توقع بود، حرکت متناسب و خوبی نکرده‌ایم، بلکه مفاهیم گوناگون مربوط به علم را ـ چه در زمینه اقتصاد و چه در زمینه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست ـ به شکل وحی منزل از مراکز و خاستگاه‌های غربی گرفته‌ایم و به‌صورت فرمول‌های تغییر نکردنی در ذهنمان جا داده‌ایم و براساس آن می‌خواهیم عمل و برنامه خودمان را تنظیم کنیم! گاهی که این فرمول‌ها جواب نمی‌دهد و خراب درمی‌آید، خودمان را ملامت می‌کنیم که ما درست به کار نگرفته‌ایم؛ در حالی که روش، روش غلطی است. ما در زمینه علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم. مواد و مفاهیم اساسی‌ای هم که براساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخش‌های اساسی علوم انسانی را شکل، تولید و فرآوری کرد، به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم. «اینجا (علوم انسانی) از آنجاهایی است که ما باید به تولید علم برسیم.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از استادان دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۸۲، نقل در معینی، ۱۳۸۷: ۲۲٤). بنابراین، با توجه به اهمیت تولید علوم انسانی

اســلامی، در مقاله حاضر با روش مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیلی ســعی شده با ارائه الگوی دانشگاه اسلامی و راهکارهای اجرای آن در تولید علوم انسانی اسلامی پرداخته شود.

مفهوم دانشگاه اسلامی

دانشگاه اسلامی گستره‌ای به وسعت دانشگاه مطلوب دارد و این دو مفهوم را نمی‌توان از همدیگر جدا کرد؛ زیرا نمی‌توان دانشگاه مطلوب را به دو دسته اسلامی و غیر اسلامی تقســیم کــرد. البته جداناپذیری دو مفهوم از حیث مصداق اســت، ولــی از حیث مفهوم می‌تــوان بیــن این دو تفکیک قائل شــد. (فیض و شــریفی، ۱۳۸۸: ۲۹) در ادامه، مفاهیم دانشگاه اسلامی را از منظر رهبران جمهوری اسلامی و تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته، بیان می‌شود:

حضــرت امام خمینی(رحمةالله‌علیــه) در موارد متعددی، ویژگی‌های دانشــگاه اسلامی را چنین تبیین کرده‌اند:

- معنای اســلامی شدن دانشگاه‌ها این است که دانشگاه باید استقلال پیدا کند و خودش را از وابســتگی به غرب جدا کند و یک کشــور مستقل و یک فرهنگ مستقل داشته باشیم. (امام خمینی، ۱۳۷۹،ج۱۲: ۲۵۱)
- دانشــجویان و علمای دانشــمند دست به دســت هم بدهند و دانشگاه‌ها را به طریق اســلامی به‌صورتی که دانشــگاه از آنِ خود ملت باشد، در دست داشته باشند و دست اشخاصی را که میخواهند آن را به طرف شرق یا غرب بکشانند، کوتاه کنند و مقدرات دانشــگاه را از معلمین و اساتید اسلامی به دست گیرند و دانشــگاه یک دانشگاه ملی برای ملت باشد، نه اینکه زحمت را ملت بکشد و خرج دانشــگاه را ملت بدهد و اشخاصی که از آن بیرون می‌آیند، قبله آن‌ها شرق و غرب باشد. (همان، ج۱٤: ۲۸۱)
- دانشگاه را باید تغییر و تبدیل بدهید. متحول بشود به یک دانشگاهی که برای خودمان باشد. از اول اسمش را "دانشگاه ملی" گذاشتند، اما ابداً از ملت اسلام

هیچ حرفی توی آن نیســت. اگر ما یک دانشــگاه اســلامی داشــتیم، در ایران این قدر خون جوان‌های ما ریخته نمی‌شــد؛ این برای این بود که ما دانشــگاه نداشتیم. از دانشگاه هر که بیرون آمده بود، یک پستی می‌گرفت و به مردم زور می‌گفت؛ هر که بیرون می‌آمد، برای دیگران خدمت‌گزار بود. وقتی که آن رأس باطل باشد و غلط شد، تا آخر غلط می‌شود. (همان، ج ۱۲: ۳۹٤)

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز ابعاد دانشــگاه اسلامی را چنین معرفی کرده‌اند:

- همه خیال می‌کنند دانشــگاه اســلامی که می‌گوییم، یعنی حجاب‌ها این‌طوری باشد، پسرها آستین کوتاه نپوشند و زلف‌ها بلند نباشد، این‌ها که معنای دانشگاه اســلامی نیست! دانشــگاه اســلامی از لحاظ ایمان، انگیزه، شور مقدس، رفتار اســلامی و علم‌آموزی مؤمنانه، این‌ها شــرط دانشــگاه اسلامی است. (حدیث ولایت، ۱۳۸٤)
- دانشــگاه اسلامی، علم و ایمان، علم و معنویت، علم و اخلاق را به هم همراه می‌کنــد. علم را می‌آمــوزد و جهت‌گیری علم را از اخــلاق و ایمان می‌گیرد. (حدیث ولایت، ۱۳۸٤)
- امروز کشــور به دانشگاهی که حقیقتاً اسلامی باشد، نیازمند است. در دانشگاه اسلامی علم با دین و تلاشگری با اخلاق و تضارب افکار با سعه صدر و تنوع رشته‌ها با وحدت هدف و کار سیاسی با سلامت نفس، تعمق و ژرف‌نگری با سرعت عمل و خلاصه دنیا به آخرت همراه است. (همان، پیام به دانشجویان، ۱۳۷۵)
- من به‌طور خلاصه دانشــگاه اسلامی را دانشگاهی می‌دانم که در آن، علم یک ارزش حقیقی اســت. آدم علم را برای گرده نانی که از آن طریق می‌شــود به دســت آورد، تحصیل نمی‌کند. ببینید، نبیّ اکــرم می‌فرمایند: «اُطلُبوا العِلمَ و لو

بِالصّین»؛ یعنی با شرایط آن روز، اگر لازم است از حجاز به چین بروید تا علم به دست بیاورید، بروید. آن روز برای چقدر پول و چقدر درآمد ممکن بود یک نفر سوار شتر یا سوار کشتی شود و به چین برود؟! مگر امکان دارد چنین تلاشی در مقابل درآمد مادی باشد؟! معنای این آن است که علم ارزش دارد. این در دانشگاه اسلامی باید باشد. (بیانات مقام معظم رهبری در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران، نقل در معینی، ۱۳۸۷: ۱۹۲)

معرفی دانشگاه توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی

دانشگاهی اسلامی است که در آن بینش توحیدی در تمام شئون دانشگاه، تفکر و اندیشه دانشگاهیان حاکمیت دارد و علم‌آموزی به منزله یک عبادت در جهت ایجاد و تقویت این نگرش ایفای نقش می‌کند. بنابراین، دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن همه ارزش‌های متعالی اسلامی، خلاقیت‌های ذهنی، نوآوری‌های علمی و تولیدات فکری در رفتار و شخصیت دانشگاهیان پدیدار گردیده و هدف دانشگاه تهذیب انسانی، همراهی علم و ایمان، حس خدمت‌گزاری و استقلال‌طلبی و عدم وابستگی باشد. دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن تقویت و باروری دانش همراه است با به کارگیری نگرش اسلامی درباره محتوای آن؛ دانشگاه اسلامی محل تربیت دانشجویانی خواهد بود که علاوه بر کسب تخصص در رشته تحصیلی خود، از حیث تجارب و عقل بشری، از رهاورد وحی و دین نیز لااقل در آن رشته در حد تخصص برخوردارند. (فیض و شریفی، ۱۳۸۸: ۳۲)

تحقیقات در زمینه دانشگاه اسلامی

تقوی‌مقدم (۱۳۷٦: ۳۷) در مقاله «اولویت‌گذاری در برنامه کوتاه‌مدت اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها»، مهم‌ترین راهکار را تربیت استاد به دلیل تأثیراتش در ابعاد مختلف دانشگاه می‌داند.

عیوضی (۱۳۸۱: ۱۳) در مقاله «قطره‌ای از دریا» دو رکن اصلی دانشـــگاه، یعنی دانشجو و اســـتاد را در ایجاد دانشـــگاه اسلامی به منصهٔ به‌ظهور رســـانیدن اهداف متعالی اسلام و رعایت تعلیم و تزکیه بسیار مهم دانسته است.

دژاکام (۱۳۸۲: ٦۱) فقدان تلقی واحد از دانشـــگاه اسلامی، فقدان نظریه‌پردازی علمی، فقـــدان وحدت منطقی و مبنایی بین حوزه و دانشـــگاه، فقدان همپوشـــی، تعامل و روابط واقع‌بینانه بین علم و دین را از موانع شکل‌گیری دانشگاه اسلامی معرفی کرده است.

اخوان کاظمی (۱۳۸۲: ۲۲) طی مقاله‌ای، زدودن موانع، تأکید بر سیاست شایسته‌سالاری، تقویت علوم انسانی و جنبش تولید علم، حل مشکلات معیشتی استادان، تحکیم و ترویج ارزش‌های اســـلامی و انقلابـــی، تضعیف ارزش‌های غربی را به‌عنوان راهکاری مناســـب دانسته است.

زنوزی و کشـــاورز (۱۳۸۸: ۸۲) در مقاله «نقش دانشگاه اسلامی در توسعه تفکر خلاق دانشـــجویان»، چالش مهم دانشگاه اسلامی ـ ایرانی در عصر ما را کسب و ارتقای هویت علمی و فرهنگی با توســـعه استقلال سازمانی و آزادی علمی به‌منظور افزایش بهره‌وری و تحقق رسالت‌های دانشگاه و افزایش اثربخشی اجتماعی آن، می‌داند.

فضل‌الهی و زمانی‌ده‌یعقوبی (۱۳۹۰: ۱۱۹) در مقاله «راهکارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها و اولویت‌بندی آن‌ها با رویکرد به استادان»، مهم‌ترین راهکارها را به ترتیب زیر نشان داد:

۱. به کارگیری مدیران متعهد، متدین و حســـاس به مبانی و ارزشـــهای اسلامی برای اداره دانشگاه‌ها،
۲. بازســـازی نظام فرهنگی دانشگاه‌ها متناسب با ارزش‌های اسلامی، به همراه احیای سنت بحث آزاد و ایجاد فضای سالم و امن برای طرح مباحث فرهنگی- اجتماعی و سیاسی،
۳. توسعه استقلال فکری و خودباوری علمی اندیشمندان و دانشگاهیان،
٤. تجدیدنظر در معیارهای جذب و گزینش دقیق و ســـازمان‌یافته اســـتادان و ارتقای بینش سیاسی و اجتماعی اعضای هیئت علمی،

۵. ایجاد اجماع بر روی شـــاخص‌های دانشگاه اســـلامی بین اندیشمندان و بازسازی بنیادین نظام آموزش و پژوهشی متناسب با ارزش‌های مذهبی جامعه،

با توجه به آنچه گفته شد، با نهادینه شدن شاخص‌های ذکر شده در فرمایشات رهبران انقلاب اســـلامی، شـــورای انقلاب فرهنگـــی و تحقیقاتی که به این موضـــوع پرداخته‌اند، می‌توان به الگوی دانشـــگاه اسلامی دســـت یافت. بر این اساس، مهم‌ترین ابعاد در تحقق الگوی دانشگاه اسلامی عبارتند از:

۱. رسالت دانشگاه

تولیـــد علـــم و ارزش به علم، ایجاد بینش توحیدی و حاکمیت باورها و فرهنگ دینی ـ اسلامی در دانشگاه و اثبات اقتدار علمی و فرهنگی کشور است.

۲. دانشجو و اساتید

دانشجو مهذب و دارای استقلال فکری و اساتید متخصص و متدین باشند.

۳. فرآیندهایی که در دانشگاه جریان دارد

از جمله فرآیندها: ســـطح کیفیت آموزش، پژوهش، فعالیت‌هـــای فرهنگی، امکانات،... ارزیابی شود. شکل ۱ الگوی دانشگاه اسلامی را نشان می‌دهد.

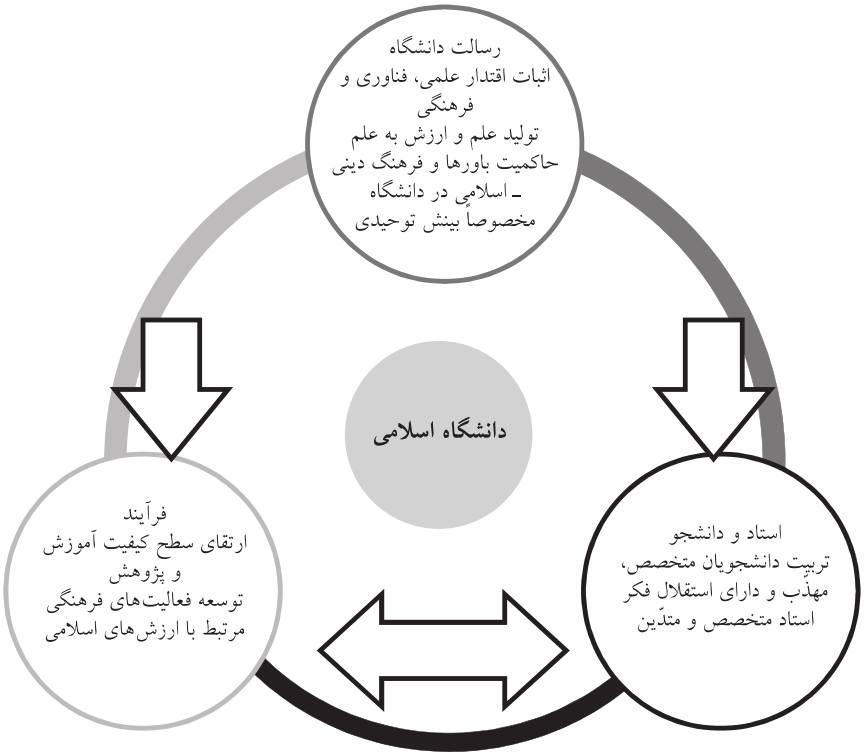

شکل ۱: الگوی دانشگاه اسلامی

(برگرفته از فرمایشات رهبران انقلاب، تعریف شورای عالی انقلاب فرهنگی و تحقیقات در زمینه دانشگاه اسلامی)

همان‌طور که در شکل ۱ نشان داده شد، یکی از ابعاد مهم الگوی دانشگاه اسلامی رسالت دانشگاه است که بر دو بُعد دیگر یعنی استاد ـ دانشجو و فرآیند اثرگذار است. از عناصر مهم رسالت، حاکمیت باورها و فرهنگ دینی ـ اسلامی مخصوصاً بینش توحیدی است. برای رسیدن به این مهم نیازمند علومی با مبنای اسلامی هستیم. از نگاه استاد آیت الله جوادی آملی، ایده اسلامی کردن علوم در نتیجه آشتی‌دادن علم با دین و رفع غفلت از جایگاه عقل در هندسه معرفت دینی و برطرف کردن بیگانگی و فاصله‌ای که به نادرست میان علم و دین برقرار شده، حاصل می‌آید؛ نه آنکه سازوکار کاملاً جدید و بدیعی برای علوم پیشنهاد شود. بنابراین تغییر اساسی در نگاه به علم و طبیعت سبب می‌شود تا به جای سیر افقی، سیری صعودی و رو به خداوند داشته باشد. (واعظی،۱۳۸۷: ۱۶) عنصر دیگری که در رسالت بایستی تحقق یابد، تولید علم و ارزش به علم برای رسیدن به آن دو بُعد دیگر یعنی استاد ـ دانشجو و فرآیند نقش مؤثری دارند.

همچنان که در شـــکل نشان داده شد، بُعد دانشـــجو ـ اساتید از رسالت تأثیر می‌پذیرد و با فرآیند ارتباط دو ســـویه دارد. از آنجا که علوم انسانی با آزاد ساختن نیروی عقل و خرد بشـــری از غشاها و قشری‌نگری‌ها در ارتباط اســـت، اساتید متخصص و مهذب در تربیت فارغ‌التحصیلانی که به‌طور خلاق و انتقادی بیندیشند، به‌طور مؤثر با دیگران ارتباط برقرار کنند و با افزایش و تقویت دانش، نگرش‌ها و مهارت‌های کلیدی را در توســـعه و ارتقای فرهنـــگ عمومـــی جامعه بـــه‌کار گیرند مؤثر می‌باشـــند و در تولید علوم نقـــش مهمی ایفا می‌نمایند. (عزیزی،۱۳۸۵: ۳)

بُعد فرآیند نیز متأثر از رسالت است و با بُعد استاد ـ دانشجو ارتباط دوسویه دارد.

عمده چالش‌ها و ضرورت‌های پیش‌روی در علوم انسانی

علـــوم انســـانی، علوم انتزاعـــی یا خنثی نیســـتند، بلکه هدف آن‌ها، تحلیـــل پدیده‌ها به ســـبب تغییر و تحولات جامعه اســـت. در این عرصه، علم و ایدئولوژی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارنـــد و تأثیـــر می‌پذیرند. امروزه، بســـیاری از یافته‌هـــا و پژوهش‌های علمی که در باب مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روان‌شناختی معروف شده‌اند، مواضع فلسفی و ایدئولوژیکـــی خـــود را در قالب همـــان دیدگاه‌های مادی‌گرایانـــه منعکس می‌نمایند و در واقـــع، به ابزار تحلیلی علوم انســـانی مبدل شـــده‌اند و به‌هیچ‌وجـــه، جامع‌نگر و جهان شمول محسوب نمی‌شـــوند. (باقری، ۱۳۸۸: ۵۷) در چنینی شرایطی، نیازمند به کارگیری ایدئولوژی با مبنای اسلامی که دیدگاهی جهان‌شمول دارد، هستیم. با این وجود، در حال حاضر دانشگاه‌های کشور با چالش‌های عمده‌ای در زمینه علوم انسانی روبه‌رو هستند، که از جمله مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. مبنای معرفت‌شناسی علمی

مفروضـــات علمـــی از روش‌های خاص پژوهشـــی بهـــره می‌گیرند؛ ایـــن روش‌ها نیز مفروضات خاص (فلسفه علم، متافیزیک، آمار و احتمال) را پشت سر خود دارند. نگاهی به

کتاب‌های روش تحقیق در ایران، آشفتگی و سردرگمی عجیبی را که دامن‌گیر نویسندگان آن‌هاست به وضوح نشان می‌دهد و تا این مبحث روشن نشود، انتظار شکوفایی این علوم بی‌مورد است. همچنین محتوای برنامه درسی علوم انسانی دانشگاه‌های کشور و مقالات پژوهشی مبتنی بر فرهنگ ایرانی و اصیل اسلامی که بتواند به صورت کتاب‌های درسی در دانشگاه تدریس شود، محدود و یا نادرند. آنچه به دانشجویان آموخته می‌شود، منابع درسی قدیمی دانشگاه‌های غربی است که تماماً ریشه در بینش‌های نویسندگان آنان دارد. (عزیزی، ۱۳۸۷: ۱۰)

۲. عدم توجه به «آینه بودن زمان»

در تصور آینه‌انگاری زمان، یکی از وجوه مطالعات انسانی، شناخت گذشته در پرتو آینده است، ولی در برنامه‌ریزی آموزشی کشور به این نکته توجه خاصی نمی‌شود. مثلاً امروزه آموزش فلسفه اسلامی در کشور از حیث ترتیب زمانی از آینده به گذشته است. ابتدا نهایةالحکمه علامه طباطبایی یا منظومه حکیم سبزواری، آموزش داده می‌شود، آن‌گاه آثار ملاصدرا و سپس آثار شیخ اشراق و ابن سینا مورد تعلیم قرار می‌گیرد. روشن است کسی که منظومه حکیم سبزواری را خوانده باشد، ملاصدرا را با قرائت خاصی می‌شناسد، اما اغلب این تفاوت قرائت را درنمی‌یابند. (قراملکی، ۱۳۸۵: ۱۹۸)

۳. ضعف تخصصی و حرفه‌ای و بی‌انگیزگی اعضای هیئت علمی

تحلیل عملکرد علمی و پژوهشی و سهم استادان این حوزه در تولید دانش و حضورشان در مجامع علمی بین‌المللی، نشان‌دهنده یک ضعف و نارسایی عمومی است. چنین ضعفی می‌تواند هم معلول نارسایی در سازوکارهای نظام آموزش عالی کشور و مؤسسات دانشگاهی باشد که این افراد از طریق آن تربیت شده‌اند و هم معلول اشتغال فراوان، عدم اشراف تخصصی بر موضوعات درسی، کم‌حوصلگی و بی‌انگیزگی آنان در انجام وظایف حرفه‌ای باشد. ناآشنایی مدرس علوم انسانی با آنچه تدریس می‌کند،

اشتغال بی‌حد و حصر مدرسان، تعداد ساعات تدریس، به‌علاوه پست‌های اجرایی که در بخش‌های مختلف به دست می‌گیرند، سبب شده که برخی از استادان راهنما و مشاور یک رساله، فرصت مطالعه آن را حتی برای یک بار نمی‌یابند و در نهایت چالش مهم دیگر ابزار انتقال آن، یعنی زبان علمی این دانش‌هاست. گزارش‌های مکتوب و شفاهی و تجربه‌های عینی حاکی از وجود اشکالات اساسی در آموزش زبان‌های علمی این رشته‌ها (زبان انگلیس و زبان عربی) است. طوری که بخش قابل توجهی از ضعف استادان علوم انسانی در چاپ مقالات علمی در مجلات علمی و پژوهش بین‌المللی در سایه این نارسایی‌ها و عدم تسلط آن‌ها بر یکی از زبان‌های علمی است. (مددی الموسوی، ۱۳۸۵، نقل در عزیزی، ۱۳۸۷: ۱۲)

٤. نگرش به علوم انسانی

یکی از دلائل اصلی که سبب می‌شود به سمت آن علم گرایش وجود داشته باشد، نوع نگرش به علم که ارزش و منزلت اجتماعی آن را مشخص می‌نماید ـ می‌باشد. عزیزی (۱۳۸۷،:۱) طی مقاله‌ای نشان داده که یکی از دلائل نارضایتی دانشجویان رشته‌های علوم انسانی از تحصیل در آن رشته‌ها را باید در پایین بودن ارزش و منزلت اجتماعی رشته‌های علوم انسانی در مقایسه با دیگر رشته‌های دانشگاهی جستجو کرد.

۵. شیوه آموزش

روش آموزش اغلب دروس رشته‌های علوم انسانی به شیوه سخنرانی ـ که جزو روش‌های آموزش سنتی است ـ می‌باشد. این روش آموزشی که مبتنی بر دیدگاه رفتارگرایی است، علم را به‌منزله معرفت ساکن و بدون تحرک، قطعی و تغییر ناپذیر؛ و فراگیران را همچون لوح سفیدی که ملزم به ثبت حقایق محتوم باشند، می‌داند و توان پرورش فراگیران را مناسب با عصر حاضر ندارد. (شعبانی، ۱۳۸۷: ١٤)

با توجه به مهم‌ترین چالش‌های ذکر شده برای تحول در علوم انسانی ضرورت‌های

زیر ایجاب می‌شود:

۱. مبنای معرفت‌شناسی علمی و مفروضات آن مبتنی بر فرهنگ اسلامی باشد. همچنین محتوای دروس علوم انسانی بازنگری شود تا بین منابع درسی با باورهای جامعه اسلامی ما سنخیت ایجاد شود. زارعیان و سفیری (۱۳۹۰: ۸۳) در مقاله «علوم انسانی بومی بر منطق فازی» بیان می‌دارند که در دستگاه فازی به علوم انسانی از حیث معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و روش‌شناسی علوم بومی یا علم جهانی، نمراتی از صفر تا ده می‌توان داد. ایشان بیان می‌دارند که تقلیل علوم انسانی به یکی از دو گزینه علم بومی یا جهانی نگاهی مبهم است و چیزی برای ما به ارمغان نمی‌آورد، لذا شایسته است که به جای تقلیل علوم انسانی به یکی از دو گزینه، برای هر نوع از دانش، درجه تعلق به مجموعه علم بومی را در نظر بگیریم. البته به‌نظر نویسندگان این مقاله بایستی علم بومی اسلامی ـ ایرانی لحاظ شود.

۲. اگر آموزش رشته‌های علوم انسانی همچون فلسفه با سیر تحول تاریخی و تطور طبیعی آن، یعنی از گذشته به آینده انجام شود، فلسفه خوانی تبدیل به فلسفیدن و مشارکت در تجارب فلسفی حکیمان می‌شود و از همین رهگذر اثربخشی و کارایی آموزش فلسفه و دیگر رشته‌های علوم انسانی افزایش می‌یابد.

۳. برای الگوی دانشگاه اسلامی نیاز به اساتید متخصص و متدین ضرورتی است. بنابراین با وجود چالشی که در زمینه اساتید علوم انسانی ذکر شد، ضرورت ایجاب می‌کند در جذب و به کارگماری اعضای هیئت علمی رشته‌های علوم انسانی این امر مورد توجه قرار گیرد.

٤. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در جهت ارزش دادن به علم و عالم در سطح جامعه ایجاد شود. همان‌طور که در فرمایشات رهبر معظم انقلاب مطرح شد، یکی از عناصر اصلی الگوی دانشگاه اسلامی نگاه به علم و ارزش نهادن به آن است که در زمینه علوم انسانی متأسفانه بسیار کم مورد توجه قرار گرفته است که بایستی با تغییر نگرش و ارزش‌گذاری به علوم انسانی در جهت تولید علوم انسانی اسلامی گام برداریم.

۵. با توجه به ناکارآمدی شیوه آموزشی سنتی(استاد محور)، در چند دهه اخیر توجه آموزش عالی به شیوه‌های آموزشی است که فراگیران را برای آیندهٔ متغیر و چالش برانگیز آماده سازد. چرا که همان‌طور که مطالعات هایتون[1] (۲۰۰۰) از دانشگاه نپی‌یر[2] و اشتون و ساکستون[3] (۱۹۹۵) نشان داد، دوره‌های آموزش عالی نه تنها جهت، انتظارات و تقاضاهای دانشجویان و فارغ‌التحصیلان را شکل می‌دهد، بلکه به کمک مهارت‌ها و قابلیت‌ها، آن‌ها را برای آینده آماده می‌سازد. توانایی یادگیری، ادامه دادن یادگیری و مسئولیت‌پذیری در مقابل تغییر، کلیدهای این آماده‌سازی هستند که برای تحقق آن نیازمند به کارگیری روش‌های آموزشی فعال می‌باشیم. شیوه‌های آموزش فعال در سال‌های اخیر به‌طور جدی توسط مسئولین نظام آموزش عالی مورد توجه قرار گرفته است که امیدواریم با به کارگیری شیوه‌های آموزش فعال در رشته‌های علوم انسانی، دانشجویان در فرآیند یادگیری، فعال و با فرآیند کسب معرفت آشنا شوند؛ یعنی روش، منش و نگرش علمی را در خود تقویت کنند. (شعبانی، ۱۳۸۸: ٥٤)

راهکارهای اجرای الگوی دانشگاه اسلامی

برای تحقق رسالت دانشگاه، بایستی در دو محور سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و وزارت علوم تحقیقات و فناوری شاهد تغییرات باشیم.

منظور از محور سخت‌افزاری، جنبه‌ها و ابعاد فیزیکی دانشگاه اعم از: تأسیسات، وسایل مادی، کارگاه‌ها، آزمایشگاه‌های علمی و ... است. مهم‌ترین رسالتِ دانشگاه اسلامی تولید علم و ارزش به آن است که دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی شرایط مورد نیاز محور سخت‌افزاری را برای این مهم فراهم نمایند. به‌علاوه، برای ایجاد چرخه‌ی تولید علم براساس نیاز اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی لازم است تغییراتی بر پایه نظریه‌سازی و تئوری‌پردازی دینی در مراکزی با نام مراکز تحقیقات بنیادی ایجاد شود. (باقری، ۱۳۸۷: ۵۸)

1. Highton
2. Napier
3. Ashton & Saxton

محور نرم‌افزاری شامل: دانش فنی، روش انجام کار، نقشه‌ها، اطلاعات و نظایر آن است که توسط عالم و یا نیروی متخصص به کار گرفته می‌شود. (باقری،۱۳۸۷: ۵۸) یکی از مهم‌ترین راهبردها در زمینه نرم‌افزار بُعد رسالت دانشگاه، تأسیس رشته‌های میان‌رشته‌ای است. طراحی و راه‌اندازی دوره‌ها و برنامه‌های میان‌رشته‌ای در دهه‌های اخیر در کانون توجه سیاست‌گذاران و متولیان آموزش عالی در سراسر جهان قرار گرفته است. هدف از ایجاد این برنامه‌ها، پر کردن خلأهای موجود در آموزش عالی و پاسخگویی به نیازهای روز می‌باشد. (حسن خانی، ۱۳۸۹: ٤٤)

کلاین و نیوول[1] (۱۹۹٦: ۳۹٤) روی‌آوردن به مطالعات میان‌رشته‌ای را اقتضای طبیعی عصر انفجار دانش دانسته و آن را در ادامه روند تکامل آموزش در دوران معاصر ارزیابی می‌کنند.

اگرچه حوزه‌های علمیه از دیرباز کانون آموزش و پژوهش در بخش عمده‌ای از علوم انسانی بوده‌اند، اما با این همه نگاهی به تاریخچه شکل‌گیری و تکامل حوزه‌های علمیه نشان می‌دهد که در مقاطعی از تاریخ علم در جهان اسلام و به‌ویژه در حوزه‌های علمیه تشیع، علوم قدیمه با علوم جدیده ممزوج شده و خروجی این تزویج، عالمان و دانشمندانی بوده‌اند که از یک‌سو فقیه، مفسر و محدث بوده‌اند و از سوی دیگر ریاضی‌دان، طبیب و منجم نامی عصر خویش به‌شمار رفته‌اند. ابن سینا، شیخ بهایی و ده‌ها چهره علمی دیگر از این قبیل، نمونه‌های برجسته این نسل از دانشمندان محسوب می‌شوند که محصول سنت ارزشمند مطالعات میان‌رشته‌ای در گذشته‌های دور این مرز و بوم به‌شمار می‌روند. مبنای ایجاد علوم میان‌رشته‌ای در ایران را می‌توان براساس تبیین رابطه ویژه میان علم و دین دانست. در واقع به‌علت عدم مباینت میان علم و دین در اسلام، ما می‌توانیم به مفروض بعدی یعنی امکان و مطلوبیت تلفیق میان علم دینی (معارف اسلامی) با سایر شاخه‌های علوم بشری در حوزه علوم انسانی برسیم که ایجاد دانشگاه امام صادق(علیه‌السلام) نیز بر این مبنا بوده که می‌توان به‌عنوان راهبرد در تمامی

1. Klein& Newell

دانشـــگاه‌های کشور و تمامی رشـــته‌های علوم انســـانی به کار گرفت. (پاریاد و معدن‌دار آرانی، ۱۳۸۸: ۸۵ و حسن خانی، ۱۳۸۹: ٤٥)

دومین بُعد الگوی دانشـــگاه اسلامی، اساتید و دانشـــجویان هستند. برای تربیت اساتید متخصص و متدین نیاز به بازآموزی اســـاتید علوم انسانی است؛ به‌طوری‌که اساتید علوم انســـانی قادر باشند در توسعه همکاری‌های علمی و تحقیقات بین‌المللی، پیش‌قدم باشند. چرا که آنچه مسلم است، همیشه رشد و پیشرفت در عرصه رقابت ایجاد می‌شود، ضمن اینکه افراد می‌توانند از تجربیات و یافته‌های یکدیگر استفاده کنند. به‌نظر می‌رسد رشد و توسعه‌ای که در دهه اخیر در علوم پزشکی، علوم فنی ـ مهندسی و علوم پایه ایجاد شده، تا حدی نتیجه ارتباطات بین‌المللی این حوزه‌ها، و رقابت اســـتادان و پژوهشـــگران آن‌ها با همکاران بین‌المللی خود بوده اســـت؛ درحالی‌که در علوم انســـانی این اتفاق به‌صورت ضعیف رخ داده اســـت. حوزه علوم انســـانی کشور، برای تحول و رشد و ارتقای خود، به شدت نیازمند همکاری‌های بین‌المللی است که انجام پروژه‌های تحقیقاتی مشترک، مبادله اســـتاد و پژوهشگر بین مراکز علمی و پژوهشـــی داخلی و خارجی، چاپ آثار مشترک با مؤسسه‌های پژوهشی معتبر خارجی، انتشار دستاوردهای تحقیقاتی در کشورهای خارجی از جمله آنهاســـت. اگـــر این امکان فراهم شـــود، در این صورت پژوهشـــگران ایرانی به خصوص در حوزه مطالعات بومی، ارائه دیدگاه‌ها و نظریات برآمده از آموزه‌های اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی در حوزه‌های تخصصی، و در حوزه مباحث سیاسی، اجتماعی و روان‌شـــناختی برآمده از متون و ادبیات اسلامی ـ ایرانی، دیدگاه‌های جدی و قابل طرحی خواهنـــد داشـــت. (علیخانی، ۱۳۸۹: ۹) همچنین در زمینه تربیت دانشـــجویان متخصص، مهذب و دارای اســـتقلال فکری بایســـتی تغییراتی در جذب دانشـــجویان رشته‌های علوم انسانی صورت گیرد؛ چرا که به‌نظر می‌رسد در دو دهه گذشته، افزایش چشم‌گیر آموزش عالی و شـــاید ایجاد عطـــش کاذب گرایش به مدرک و تحصیلات عالـــی بدون توجه به کیفیت و کارایی، صدمه جدی بر نظام علمی ایران وارد کرده اســـت. (عزیزی،۱۳۸۵: ۹۸) ضمن اینکه جامعه امروز با تعداد زیادی بیکار مدرک به دســـت روبه‌رو است، درحالی‌که

به‌شدت به نیروهای کیفی و کاردان نیاز دارد، ولی دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها فقط مدرک در دست دارند، نه تخصص و کارایی لازم؛ بنابراین ضرروی است به‌سرعت رشد کمّی متوقف شده و اقدامات اساسی در جهت عمق بخشی و رشد کیفی نظام آموزش عالی کشور صورت گیرد. (علیخانی، ۱۳۸۹: ۱۸)

سومین بُعد در الگوی دانشگاه اسلامی فرآیند است که برای تحقق آن بایستی شاهد تغییراتی در زمینه کیفیت آموزشی، پژوهشی و فعالیت‌های فرهنگی مرتبط با ارزش‌های اسلامی باشیم. برای ارتقای کیفی فعالیت‌های پژوهشی دانشگاه‌ها، باید سیاست‌گذاری‌هایی در جهت افزایش اعتبارات تحقیقاتی و توسعه علمی و فناوری از تولید ناخالص داخلی صورت گیرد؛ زیرا این سهم به نسبت جایگاه ایران و توانایی‌های بالقوه علمی و پژوهشی آن به‌شدت پایین است. در واقع، میزان و نحوه تخصیص مالی، اثرات مستقیمی بر میزان و کیفیت رشد علمی دارد. (عزتی و نادری، ۱۳۸۸: ۵۰) برای ارتقای کیفیت آموزش دانشگاه لازم است بازنگری مستمر و به‌روزی در رشته‌های دانشگاهی صورت گیرد تا هماهنگ با بازارکار، نیازهای اجتماعی جامعه و تحولات علمی روز باشد. همچنین با ایجاد ارتباط نزدیک و تنگاتنگ بین حوزه‌های علمیه و دانشگاه می‌توان در جهت ارتقای فعالیت‌های فرهنگی، تبیین و معرفی اصول و ارزش‌های اسلامی و دفاع از آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران گام برداشت.

بحث و نتیجه‌گیری

تولید علوم انسانی اسلامی، از ضرورت‌های غیر قابل انکار است. براین‌اساس، لازم است ابتدا دانشگاه‌های کشور با الگوی دانشگاه اسلامی خود را همسو نمایند. اجرای این الگو راهگشایی برای تولید علوم انسانی اسلامی خواهد بود. البته علوم انسانی در کشور ما با چالش‌ها و ضرورت‌های متعددی روبه‌رو است و ما در این مقاله به مهم‌ترین آن‌ها اشاره نمودیم که بایستی قبل از پیاده‌سازی الگوی دانشگاه اسلامی توسط مسئولین نظام آموزش عالی کشور مدنظر قرار گیرد. همچنین همان‌طور که اشاره شد، علوم انسانی

اســلامی سازوکار کاملاً جدید و بدیعی برای علوم پیشــنهاد نمی‌دهد، بلکه با آشتی علم با دین و رفع غفلت از جایگاه عقل در هندســه معرفت دینی و برطرف کردن بیگانگی و فاصله‌ای که به نادرست میان علم و دین برقرار شده، حاصل می‌آید. به‌علاوه، بیان شد که الگوی دانشگاه اسلامی دارای سه بُعد مهم رسالت، استاد ـ دانشجو و فرآیند است. در بُعد رســالت اشاره شــد که نیازمند توجه به دو محور سخت‌افزاری و نرم‌افزاری می‌باشیم. در محور ســخت‌افزاری ایجاد مراکز تحقیقات بنیادی و در محور نرم‌افزاری ضرورت ایجاد و گســترش برنامه‌های میان‌رشته‌ای مطرح شد. دومین بُعد الگوی دانشگاه اسلامی، استاد و دانشجو است که راهبردی که برای اساتید ارائه شد، بازآموزی اساتید علوم انسانی بود تا آنان قادر باشــند در توسعه همکاری‌های علمی و تحقیقات بین‌المللی، پیش‌قدم باشند. به‌علاوه، برای تربیت دانشــجویان متخصص و دارای استقلال فکری بایستی تغییراتی در جذب دانشــجویان رشته‌های علوم انســانی صورت گیرد. در نهایت برای پیاده‌سازی بُعد سوم الگوی دانشگاه اســلامی یعنی فرایند، ملزم به ایجاد تغییراتی در کیفیت فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و فعالیت‌های فرهنگی مرتبط با ارزش‌های اسلامی هستیم.

کتابنامه

۱. اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۲، راهکارهایی برای اسلامی شدن دانشگاه‌های، فصلنامه دانشگاه اسلامی، ش ۱۹-۱۸

۲. خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۹، صحیفه امام، تهران، مرکز حفظ و نشرآثار حضرت امام خمینی(رحمةالله‌علیه)

۳. باقری، شهلا، ۱۳۸۷، علوم انسانی ـ اجتماعی از بحران تا بومی سازی: انتقادات و راهکارها، فصلنامه حوزه و دانشگاه، روش‌شناسی علوم انسانی، سال ١٤، ش ٥٤

٤. پاریاد، رحمان؛ معدن‌دار آرانی، عباس، ۱۳۸۸، چشم‌انداز علوم انسانی و معرفت‌های میان‌رشته‌ای، فصلنامه سخن، انتشارات سمت

٥. تقوی‌مقدم، مصطفی، ١٣٧٦، اولویت‌گذاری در برنامه‌های کوتاه‌مدت اسلامی‌کردن دانشگاه‌ها، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال اول، ش ۱

٦. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۷۸، حدیث ولایت: مجموعه رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی(نرم افزار)، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

۷. حسن‌خانی، محمد، ۱۳۸۹، نوآوری در مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی در ایران؛ مطالعه موردی دانشگاه امام صادق(علیه‌السلام)، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی ، دوره دوم، شماره ۲

۸. دژاکام، علی، ۱۳۸۲، برداشت‌های گوناگون از دانشگاه اسلامی، فصلنامه دانشگاه اسلامی، شماره ۱۷

۹. زارعیان، مریم؛ سفیری، خدیجه، ۱۳۹۰، علوم انسانی بومی بر مبنای منطق فازی، فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی ٤٦، سال پانزدهم، شماره ۱

۱۰. شعبانی، حسن، ۱۳۸۷، روش تدریس پیشرفته، تهران، انتشارات سمت

۱۱. شعبانی، حسن، ۱۳۸۸، تحلیل انتقادی دروس آموزش‌عالی (رویکردها و چالش‌ها)، سخن سمت، شماره ۲۱

۱۲. عزتی، میترا؛ نادری، ابوالقاسم، ۱۳۸۸، تأثیر سازوکاهای تخصیص منابع مالی بر عملکرد آموزشی گروه‌های آموزش دانشگاهی: مطالعه موردی دانشگاه تهران، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش‌عالی، شماره ۵۲

۱۳. عزیزی، نعمت‌الله، ۱۳۸۷، بررسی چالش‌ها و نارسایی‌های تحصیلات دانشگاهی در حوزه علوم انسانی تأملی بر نظرات دانشجویان، مجله آموزش عالی، شماره ۲

۱٤. عزیزی، نعمت الله، ۱۳۸۵، توسعه آموزش عالی در ایران با تأکید بر علوم انسانی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری
۱۵. علیخانی، علی‌اکبر، ۱۳۸۹، شیوه‌های تحول و بهبود آموزش عالی و پژوهش در ایران با تحلیلی بر برخی مطالعات انجام شده، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال سوم، شماره ۱
۱٦. عیوضی، علی اشرف، ۱۳۸۱، مفهوم و ماهیت دانشگاه اسلامی، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال ششم، ش۱٤
۱۷. فضل الهی، سیف‌الله و زمانی ده‌یعقوبی، رضا، ۱۳۹۰، راهکارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها و اولویت‌بندی آن‌ها با رویکردی به دیدگاه استادان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی ٤٦، سال پانزدهم، شماره ۱
۱۸. فیض، داود، شریفی، نوید، ۱۳۸۸، طراحی الگوی مفهومی ارزیابی دانشگاه اسلامی با بهره‌گیری از مدل کارت امتیازی متوازن(BSC)، فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی ٤۲، سال سیزدهم، شماره ۲
۱۹. قراملکی، فرامرز، ۱۳۸۵، روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی
۲۰. محسنی‌زنوزی، هاشم؛ کشاورز، محسن، ۱۳۸۸، نقش دانشگاه اسلامی در توسعه تفکر خلاق دانشجویان، فصلنامه مدیریت در دانشگاه اسلامی٤۱، سال سیزدهم، شماره۱
۲۱. معینی، فائزه، ۱۳۸۷، دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی ایرانی، تهران، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی
۲۲. میرزامحمدی، محمدحسن؛ صحبت‌لو، علی، ۱۳۸٦، اهداف دانشگاه اسلامی، فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی ۳۳، سال یازدهم، شماره۱
۲۳. واعظی، احمد، ۱۳۸۷، علم دینی از منظر آیت‌الله جوادی آملی، فصلنامه حوزه و دانشگاه، روش‌شناسی علوم انسانی سال ۱٤، شماره ٥٤
24. Ashton, P. & Saxton, J. (1992). Managing Work Experience. London and New York: Routledge.
25. Highton, M. (2000). Reflection in Work - Based Learning from undergraduates. Edinburgh; Napier University. http://www.recordingachievement.org/case_studies/cs_detail
26. Klein, J. T. & William H. N. (1996). “Advancing Interdisciplinary Studies”, In J. G. Gaf J. L. Ratcliff (Eds.), Handbook of the Undergraduate Curriculum: A ComprehensiveGuide to Purposes, Structures, Practices, andChange, pp. 393-415, San Francisco:Jossey-Bass Publishers